

شوالیه ناموجود ادبیات ایتالیا

ایتالو کالوینو

ترجمه کیوان سامانی‌راد



می‌دهد، کالوینو حزب کمونیست ایتالیا را ترک می‌کند. در این سال‌ها که کالوینو وقت خود را بیشتر صرف روزنامه‌نگاری کرده تا قصه‌نویسی، هنگام ترک حزب با احساسی عمیق و اندوهگین می‌گوید:

با رشد تاریخی دیکتاتوری و درگیری با یک جنگ تمام عیار در زمان نظامی‌گری، من هنوز اندیشه‌ام بر این است که زندگی در صلح و آزادی خوشبختی کوچکی است که اکنون در من تبلور یافته است.

در سال ۱۹۷۲، کالوینو کتاب شهرهای نامرئی را منتشر می‌کند. این کتاب شامل بخش‌هایی است که در آن مارکوپولو با ساختن شهرهایی خیالی و توصیف آن گوبلای خان را سرگرم می‌کند هر کدام از این شهرها دارای ویژگی خاص و عجیبی است. تصاویری بدیع که برخاسته از ذهن خلاق و باریکبین نویسنده است و هر کدام از شهرها را تا مرز نامرئی بودن می‌کشاند. کتاب سورئال کالوینو سال بعد از آن برنده جایزه صاحب‌نام Premio Feltrinelli می‌شود. کالوینو در سال ۱۹۷۹ رمان «شب‌های زمستان مسافری» را می‌نویسد. منتقدی درباره این کتاب گفته: «او چیزی را به رشته تحریر درآورده که شما همواره می‌دانید اما هیچ‌گاه به آن فکر نکرده‌اید.»

آخرین مقاله او به صورت کتابی با نام «شش یادداشت برای هزاره بعدی» پس از مرگش انتشار می‌یابد. کالوینو شب نوزدهم سپتامبر ۱۹۸۵ قبل از سفر به ایالات متحده برای ایراد سخنرانی درباره این کتاب بر اثر خونریزی مغزی چشم از جهان فرو می‌بندد. از مجموعه «Under a Jagvar Sun» (۱۹۹۱) داستان‌های «حواس پنج‌گانه»، «بینایی» و «لامسه» هرگز کامل نشد.

فهرست آثار کالوینو:

- راه باریک لانه‌های عنکبوت (۱۹۴۷) *Il Sentiers dei nidi di ragno*
- کلاغ، آخر می‌آید (۱۹۴۹) *Ul timo viene il Coro*
- ویکونت شقه شده (۱۹۵۲) *Il Visconte dimezzato*
- ورود به جنگ (۱۹۵۳) *L'entrate in guerra*
- افسانه‌های ایتالیایی (۱۹۵۶) *Fiabe Italiana*
- بارون درخت نشین (۱۹۵۷) *Il Barone rampante*
- داستان‌ها (۱۹۵۸) *I racconti*
- شوالیه‌های ناموجود (۱۹۵۹) *Il Cavaliere inesistente*
- نیاکان ما (۱۹۶۰) *I nostri antenati*
- (سه رمان «ویکونت شقه شده»، «بارون...» و «شوالیه‌های...»)
- کمدی‌های کیهانی (۱۹۶۶) *le Cosmicomiche*
- تی با صفر (۱۹۶۷) *Ti con Zero*
- قلعه سرنوشت‌های درهم تنیده (۱۹۶۹) *Il Castello dei destini incrociati*

عنکبوت در سال ۱۹۴۷ منتشر می‌شود. این داستان بیانگر تجربه‌های کالوینو در دوران مقاومت پارتیزان‌هاست. داستان‌های اولیه او با ساختاری ضدجنگ و نشأت گرفته از تجربیات دوران مقاومت، آثارش را در سایه نئورالیسم قرار می‌دهد.

در دهه پنجاه میلادی داستان‌هایی خیالی که ریشه‌ای در واقعیت داشتند، کالوینو را به جهانیان می‌شناساند و شهرت او را به عنوان یکی از مهمترین داستان‌نویسان ایتالیایی رقم می‌زند. تریلوژی «نیاکان ماه که مجموعه‌ای از سه داستان «ویکونت شقه‌شده» (۱۹۵۲)، «بارون درخت‌نشین» (۱۹۵۷) و «شوالیه‌های ناموجود» (۱۹۵۹) است، خارج از قالب‌های معمول نئورالیستی می‌ایستد و به رویا حق تقدم می‌دهد. این داستان‌ها تمثیلی است بین رویا و حقیقت محض. در بارون درخت‌نشین که داستان آن در قرن هجدهم میلادی می‌گذرد، پسر بارونی به بالای درختی می‌رود و در آخر، زندگی خود را در بالای درختان مختلف می‌گذراند.

«ویکونت شقه شده» نیز در قالبی بین افسانه و واقعیت، داستان ویکونتی را بیان می‌کند که در جنگ میان اتریش و ترکیه، هدف گلوله توبی قرار می‌گیرد و شقه می‌شود. اما نیمه باقی‌مانده او، نیمه شراست و در رسیدن به تکامل دچار مشکل می‌شود. طنز کالوینو در عین خشونت و تلخی ماجرا قابل تحسین است. در پشت پیچش و سرخوشی این سه داستان اغلب می‌توان پرسش کالوینو را درباره روابط بین وجدان آدمی و جریان تاریخ به خوبی مشاهده کرد. در سال ۱۹۵۶ به علت وقایعی که در هانگاری رخ

روزنامه‌نگار، داستان‌نویس و نویسنده با تجربه‌یی است که تلفیق افسانه و واقعیت در داستان‌هایش او را به عنوان یکی از مهمترین قصه‌نویسان قرن بیستم مطرح کرده است.

ایتالو کالوینو^۱ در سانتیاگو کوبا به سال ۱۹۲۳ متولد می‌شود. در جوانی به ایتالیا مهاجرت و دورانی از زندگی خود را در سان‌رمو^۲ می‌گذراند. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، به تحصیل در رشته ادبیات دانشگاه تورین (۱۹۴۱-۴۷) و نیز مدتی در دانشگاه روبال (۱۹۴۳) روی می‌آورد.

در زمان جنگ جهانی دوم، کالوینو به خدمت سربازی در گروه‌های فاشیست ایتالیا احضار شده اما از آن‌جا خارج می‌شود و در جست‌وجوی پناهگاهی در آلپ به گروه مقاومت کمونیست در کوه‌های لیگوریان^۳ می‌پیوندد.

کالوینو پس از اتمام جنگ و نیز تحصیلات تکمیلی دانشگاه، در نشریه کمونیستی *L'Unita* به عنوان خبرنگار مشغول به کار می‌شود. او همچنین برای کانون انتشارات Einaudi کار می‌کند و برای نشریه‌های مختلفی همچون *La Repubblica* و *Citta Aperto* مطلب می‌نویسد.

کالوینو در سال ۱۹۵۲ به اتحاد جماهیر شوروی سابق و در سال ۱۹۵۹ به ایالات متحده آمریکا سفر می‌کند. او در سال ۱۹۶۴ با آوازخوانی به نام استر جودیت^۴ ازدواج می‌کند و پس از سفرهای متعدد به پاریس و دیگر کشورهای اروپایی در سال ۱۹۷۹ به رم باز می‌گردد.

اولین داستان کالوینو با عنوان راه باریک لانه‌های

عشق‌های سخت (۱۹۷۰) Gil amori difficili

شهرهای نامرئی (۱۹۷۲) Le citta invisibili

اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری (۱۹۷۹) Se

Una notte d'inverno un viaggiatore

هر چه بود گذشت (مقالات) (۱۹۸۰) Une Pietra

Sopra

پالومار (۱۹۸۲) Palomar

شش یادداشت برای هزاره بعدی (۱۹۸۵) Sei

memorandum per Prossimo millennio

Under a Jaguar Sun 1991

ترجمه فارسی آثار کالوینو:

۱. ویکونت شفه شده. ترجمه بهمن محمص - انتشارات

روزن ۱۳۴۶

۲. بارون درخت نشین - ترجمه مهدی سبحانی -

انتشارات تندرو نگاه ۱۳۶۳

۳. شهرهای نامرئی - ترجمه ترانه یلدا - انتشارات

پاپیروس ۱۳۶۸

۴. اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری - ترجمه لیلی

گلستان - انتشارات آگاه ۱۳۶۹

۵. شش یادداشت برای هزاره بعدی - ترجمه لیلی

گلستان - انتشارات مهناز ۱۳۷۶

۶. افسانه‌های ایتالیایی - ترجمه محسن ابراهیم -

انتشارات نیلا (در دست چاپ)

۷. جنگل کنار شاهراه - ترجمه بیژن اوشیدری - مجله

تماشا ۳۰۵/۷ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۵) ص ۹۸

۸. شبی در بهشت - ترجمه پری منصوری - مجله سخن

۷/۱۵ (تیر ۱۳۴۴) ص ۷۳۵

۹. معالجه با زنبور - ترجمه بیژن اوشیدری - مجله تماشا

۳۰۵/۷ ص ۸۸

۱۰. راه باریک لانه‌های عنکبوت، و کلاغ، آخر می‌آید -

نویسندگان معاصر ایتالیایی - محسن ابراهیم - انتشارات

فکر روز ۱۳۷۶

۱۱. زن و مرد کارگر - ترجمه علی عبداللهی - گلستانه

۵/۶ (خرداد ۱۳۷۸) ص ۲۷

پانوشته‌ها:

1. Italo Calvino

2. San Remo

3. Ligurian

4. Ester Judith

از پدر به پسر

ایتالو کالوینو
ترجمه بهروز تورانی



طرف‌های ما گاوتر کم پیدا می‌شود. این‌جا نه مرتعی برای چریدن دارد، نه مزرعه بزرگی برای شخم زدن. سرتاسرش درخت میوه است و باریکه‌های زمینی که آن قدر سخت است که باید با کججیل شیارش زد. و در هر حال گاوهای نر و ماده این‌جا جایی ندارند. برای دره‌های باریک و ناهموار ما زیادی بزرگند. برای چهار دست و پا بالا رفتن از این صخره‌ها حیوان باید لاغر و قلمی باشد. مثلاً قاطر و بز.

گاو خانواده ساراسا تنها گاو تر این دره بود. ظاهرش هم با این محیط جور در می‌آمد. چون چارپای باریک کوچک قوی بنیه‌ای برد و با این حال از هر قاطری هم قوی‌تر و سربراه‌تر بود. آسمش مورتوبلو بود. زندگی دو عضو خانواده ساراسا، پدر و پسر را با باربردن برای زمین‌داران مختلف دره، حمل کبسه‌های ذرت به آسیاب، حمل برگ نخل برای صادر کننده‌ها و یا بردن کود حیوانی برای اتحادیه تأمین می‌کرد.

آن روز مهر توبلو زیر باری که دو کفه خورجینش را پر کرده بود - کنده‌های درخت زیتون که باید به یک مشتری در شهر فروخته می‌شد - به یک سو تکان می‌خورد و پیش می‌رفت. غنایی که از حلقه‌ای که از منخرین - م و سیاهش می‌گذشت، آویزان شده بود پیش از آن که به دست‌های آویخته نائین، سر باتیستین ساراسا که به اندازه پدرش دراز و لاغر بود، برسد، به زمین می‌سایید. ساراسا در واقع یک لقب بود به معنای برج شراب. زوج ناجوری بودند: گاو با پاهای کوتاه و شکم پهن و قورباغه مانندش زیرباری که رویش گذاشته بودند با احتیاط گام برمی‌داشت، و ساراسا با آن صورت دراز و ته‌ریش زبر قرمز و میج‌هایش که از زیر آستین‌های کوتاه بیرون زده بودند، با هر قدم به علت این‌که ظاهراً هر زانویش دو مفصل داشت، لنگر برمی‌داشت و در همان حال پاچه‌های سلوارش با هر وزن باد طوری تکان می‌خوردند که گویی چیزی در آن‌ها نبود. آن روز صبح، حال بهار در هوا بود، همان حس کشف مجدد که هر سال ناگهان یک روز صبح پدیدار می‌شود و چیزی را به خاطر می‌آورد که ماه‌ها فراموش شده به‌نظر می‌رسید. مورتوبلو که معمولاً خیلی آرام بود، امروز بی‌قراری می‌کرد. آن روز صبح، وقتی نائین به طولیله رفته بود تا گاو را با خود بیاورد آن را نیافته بود. گاو از طولیله درآمده بود و به مزرعه رفته بود. چشم‌هایش دودو می‌زد و حالت گیج و گمی داشت. حالا مورتوبلو همان‌طور که پیش می‌رفت که گاه می‌ایستاد، منخرینش را که حلقه سوار کرده بود رو به هوا می‌گرفت و هوا را با دم‌های کوتاه فرو می‌داد. بعد، نائین تکانی به طناب می‌داد و به زبانی که انسان‌ها با گاو‌ها سخن می‌گویند به گاو نهب می‌زد.

که گاه این‌طور به نظر می‌آمد که فکری به سر مورتوبلو زده است، یا شب پیش خوابی دیده و صبح با این احساس که چیزی را به دنیا باخته از طولیله بیرون زده است. رذای چیزهایی فراموش شده از زندگی‌اش دیگر، رویای دشت‌های پهناور و برعکف پر از ماده گاو که در آن، ماده گاوهای بی‌شمار با گردن‌های خم به سوی او پیش می‌آمدند.